

Investigating the Effect of Islamic Social Style on Preventing Family Breakup

Gholam Haidar Kousha^{1*}

*Abolfazl Sajedi*²

1. *PhD in Sociology (Philosophy of Social Sciences) Imam Khomeini Educational-Research Institute, Qom (Corresponding Author)*

Email: Gh.koosha@gmail.com

2. *Professor of Theology Department, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom*

Email: ab.sajedi.1395@gmail.com

Abstract

Lifestyle is one of the factors of stability and instability of the family. Today, modern lifestyles fuel life dissatisfaction and, consequently, the tendency to divorce. In this research, using ijthad and narration methods, an attempt has been made to introduce the culture of Islamic social style as a solution for family breakup and disintegration. Slowly The principles of Islamic socialization and the moral and educational practices recommended in religious sources help to further the family and strengthen kinship and marital relations. Principles such as the principle of kindness, the principle of forgiveness, the principle of cooperation, the principle of empathy can help make marriage more desirable.

Keywords: lifestyle, social style, Islamic social style, family stability, family breakup.

*. Date of Reception: 2021/04/25 , Date of Acceptation: 2021/07/02

بررسی تأثیر سبک معاشرت اسلامی بر جلوگیری از گسست خانواده

غلام حیدر کوشا*

ابوالفضل ساجدی^۲

۱. دکتری جامعه‌شناسی (فلسفه علوم اجتماعی) مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، قم (نویسنده مسئول)

Email: Gh.koosha@gmail.com

۱. استاد گروه کلام، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، قم

Email: ab.sajedi.1395@gmail.com

چکیده

سبک زندگی یکی از عوامل ثبات و بی‌ثباتی خانواده به شمار می‌رود. امروزه سبک زندگی مدرن نارضایتی‌های زندگی و در نتیجه گرایش به طلاق را دامن است. در این تحقیق با استفاده از روش اجتهادی و نقلی، تلاش شده است فرهنگ سازی سبک معاشرت اسلامی را به عنوان یک راه حل برای گسست و فروپاشی خانواده معرفی کند. اصول معاشرت اسلامی و رویه‌های اخلاقی و تربیتی توصیه شده در منابع دینی به اهتمام بیشتر خانواده و تحکیم روابط خویشاوندی و زناشویی کمک می‌کند. اصولی مثل اصل مهربانی، اصل گذشت، اصل همکاری اصل همدلی می‌تواند به روابط زناشویی مطلوب‌تر کمک کند.

کلیدواژه: سبک زندگی، سبک معاشرت، سبک معاشرت اسلامی، ثبات خانواده، گسست خانواده.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۱

مقدمه

موضوع استحکام خانواده و پیشگیری یا کنترل نرخ طلاق در جامعه از مسائلی است که بیش از همه مورد توجه اندیشمندان حوزه‌های مختلف علمی قرار گرفته است. پژوهشگران فرهنگ، جامعه‌شناسان، فیلسوفان تعلیم و تربیت، کارشناسان مسائل اقتصادی - حقوقی و فعالان مسائل زنان و خانواده هرکدام از منظری به تحلیل و بررسی آن همت گمارده اند. دخالت در وضعیت طلاق با پارامتر سبک‌زندگی اسلامی که تحقیق حاضر رسالت تبیینی خود می‌داند هم از لحاظ نظری و هم از حیث کاربردی دارای ضرورت و اهمیت است.

از حیث نظری: اولاً، دستمایه این تحقیق استخراج نظریه اسلامی کاهش طلاق است که خود بخشی از پروژه کلان علمی بومی‌سازی و اسلامی کردن علوم اجتماعی و انسانی به شمار می‌رود؛ ثانیاً، کندوکاو حل مسائل اجتماعی با تکیه بر منابع، رویکرد و استراتژی اسلامی و دینی نیز کار ارزشمندی است؛ ثالثاً، به نحوی اغلب علل طلاق به سبک‌زندگی ارجاع می‌یابد و در چارچوب آن قابل بازخوانی است. از این‌رو، انگشت نهادن بر اساسی‌ترین علت طلاق (به عبارتی عله العلل) اهمیت فراوان دارد.

از حیث کاربردی: اولاً، پرداختن به موضوع پیشگیری و کاهش نرخ طلاق، ریشه در اهمیت نهاد خانواده دارد. نهاد مقدس خانواده، رکن بنیادین اجتماع بشری و محمل فرهنگ‌های گوناگون است تا آنجا که سعادت و شقاوت انسان‌ها منبعث از خانواده سالم و ناسالم ارزیابی شده است. بی‌گمان، داشتن جامعه صالح و پویا در گرو سلامت و پایداری خانواده‌های سالم و صالح است همان‌گونه که تمام دست‌آوردهای موفق علمی و هنری بشر در سایه خانواده سالم و محیط امن خانواده ارزشی پدید می‌آید؛ بنابراین تحکیم خانواده مقدمه سلامت جامعه و رسیدن به سعادت جمعی را میسر می‌سازد؛ ثانیاً، تنظیم و تعدیل روابط اعضای خانواده، حقوق و وظایف همسران و فرزندان بخش قابل توجهی از دستورات و سفارش‌های اخلاقی و تربیتی اسلام را به خود اختصاص داده و تا آنجا که بعضی سوره قرآن مانند «نساء» و «طلاق» به مسائل خانواده اختصاص داده یافته است؛ غایت تمام این دستورات ثبات خانواده است، بنابراین تحقیق حاضر به تحقق و عملیاتی شدن دستورالعمل‌های اسلامی در حوزه خانواده مدد می‌رساند؛ ثالثاً، همان‌گونه که برخی محققان اذعان کرده‌اند، نهاد خانواده وظیفه تربیت و سازندگی افراد و انسان‌ها را بر عهده دارد (حسن زاده، ۱۳۹۳، ص ۴۸) تسهیل سبک‌زندگی ارزشی باعث تربیت نیروهای انسانی متعهد و سالم گردیده و در سایه آن جامعه سالم و ارزش‌گرا سامان خواهد گرفت.

نوآوری اصلی این تحقیق بازخوانی طلاق در چارچوب نظام زندگی معنوی است. آنچه که تاکنون تحقیقات انجام شده پی‌گرفته‌اند به صورت پنهان با پیش‌فرض «زندگی آنگونه که هست» همراه بوده است. اما از نظر اسلام مطالعه و ساخت نظام زندگی بر مبنای اصل هنجاری «زندگی آنگونه که باید باشد» استوار است. اسلام آموزه‌هایی در اختیار پیروان خود می‌گذارد که براساس آن زندگی سامان داده شود و در صورت مشاهده نابسامانی، به صورت دلسوزانه و واقع‌بینانه حل و فصل شود. این تحقیق با پیگیری متغیر «سبک‌زندگی» در مطالعه طلاق در صدد است بنیادین‌ترین عامل ثبات و استحکام خانواده را مدنظر قرار دهد. متغیرهایی که نوعاً روان‌شناسان و جامعه‌شناسان

تجربی دنبال می‌کنند عواملی است که سطوح ظاهری زندگی خانوادگی را هدف قرار می‌دهد اما توجه به باورها و ارزشها در زندگی سطوح عمیق‌تر و لایه‌های بنیادی تر زندگی را مورد توجه قرار می‌دهد. به نظر می‌رسد این مسئله دستاورد اصلی و ابتکار واقعی این تحقیق باشد.

طرح مسئله

«خانواده» کوچک‌ترین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی است به گونه‌ای که استحکام، ثبات و سلامت آن، نقش اساسی در سلامت، ثبات و نظم جامعه دارد. ثبات خانواده یکی از پایه‌های مهم تمدن اسلامی است. در ادبیات دینی و قرآنی، خانواده از آیات بزرگ خداوند و عامل اساسی امنیت روانی و آرامش روحی اعضای خانواده معرفی شده است (روم: ۲۱). خانواده است که باعث می‌شود پایدارترین تشکیلات و سازمان اجتماعی شکل بگیرد، مناسب‌ترین ارتباطات انسانی رخ دهد، بنیادی ترین آموزش‌های تربیتی عملی گردد و ماندگار ترین ذهنیت‌های اعتقادی تثبیت شود (گیدنز، ۱۳۸۶، ص ۲۵۴). در جامعه‌شناسی، جامعه‌پذیری که مانا ترین عنصر در تکوین شخصیت انسان است، آغازش به خانواده نسبت داده می‌شود. تولید مثل که ضامن بقاء جامعه و کلید تأمین نیروهای انسانی است با اهتمام خانواده میسر می‌گردد. خانواده در انتقال ارزش‌ها، پرورش نسل، ایجاد تعادل روحی، روانی، اجتماعی و عاطفی افراد جامعه نقش بی‌بدیل دارد. خانواده منعطف‌ترین سازوکارهای نظارتی، کنترلی و حمایتی را با نازل‌ترین هزینه و بدون تشریفات بروکراتیک در اختیار جامعه قرار می‌دهد. بنا بر آنچه ذکر شد، خانواده بنیادین‌ترین زیرساخت اجتماعی است. این خرده نظام ارزشمند علی‌رغم اهمیتی که دارد، مدتی است روبه فرسایش رفته و دیوار مستحکمش ترک برداشته است. اینک، عواملی مانند اختلاف سنی زوجین، تفاوت‌های تحصیلی، ارتکاب جرم، سوء مصرف مواد، آرزوهای بلند، خوش‌گذرانی و لذت‌طلبی (ریاحی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۶) طلاق را که روزگاری مبعوض‌ترین حلال شرعی و آخرین راه‌حل عرفی مشکلات خانوادگی بود، به ابتدایی ترین و در دسترس‌ترین راه‌حل تبدیل کرده است. روند طلاق در برخی نواحی تهران تا مرز قریب به ۵۰٪ هم رسیده است. فروپاشی خانواده‌ها، فارغ از علل و عوامل آن، پیامدها و هزینه‌های مالی، فرهنگی و ارزشی زیادی را به دنبال می‌آورد. کودکان کار، تک سرپرست شدن خانواده، تکدی‌گری، فرار دختران از منزل و فساد جنسی از جمله پیامدهای اجتماعی طلاق به شمار می‌روند. طلاق، با هر نرخی و در هر سطحی یک پدیده مدرن است. طلاق، پا به پای شهری شدن افراد، صنعتی شدن جامعه، مدرن شدن نظام معیشت و چارچوب‌های معاشرت مردم رشد یافته است. مسئله‌ی نیازمند توجه این نکته است که سازه‌های ارزشی سبک معاشرت مدرن با آنچه اسلام در صدد ترویج آن است، تفاوت اساسی دارد. سبک معاشرت اسلامی ارزش محور، معناگرا و مبتنی بر بنیادهای اخلاقی است. در سبک معاشرت اسلامی تمایلات نفسانی، اقتضانات محیطی و نیازهای جسمی انسان براساس گرایش‌های معنوی و نیازهای روحی او صورت‌بندی می‌شود. بنابراین، یکی از راه‌های مؤثر در کاهش طلاق، ترویج سبک معاشرت اسلامی و تحکیم ارزش‌های آن خواهد بود. آنچه این تحقیق سودای بررسی آن را دارد مسئله تبیین «نحوه تأثیرگذاری سبک معاشرت اسلامی بر پیشگیری از گسست و فروپاشی خانواده» است؛ بنابراین، سزاوار است بررسی شود که

سبک معاشرت اسلامی چه نقشی در کاهش یا افزایش فراوانی طلاق ایفا می‌کند؟ و چگونه می‌توان خانواده‌ها را به سبک معاشرت اسلامی سوق داد؟ تحقیق حاضر با پذیرفتن واقعیت تلخ شیوع و گسترش پدیده نامیمون طلاق، در صدد ارائه راهکار مناسب، مؤثر، کارآمد و نتیجه بخش برای کاهش فراوانی طلاق و کُند شدن شیب تند صعود آن می‌باشد. برای این منظور، ترویج سبک معاشرت اسلامی را به عنوان یکی از عوامل قوام‌بخش نظام خانواده و پیشگیری کننده از وقوع طلاق و نجات‌دهنده از خطر فروپاشی، پیشنهاد می‌کند.

ادبیات بحث

۱. ادبیات مفهومی

۱-۱. مفهوم «سبک زندگی»

«سبک زندگی»^۱ به معنای الگوهای نسبتاً متمایز کنش و فرهنگ (Turner, 2006, p.339) که زندگی روزمره افراد و گروه‌ها را تحت تأثیر قرار داده و ویژگی‌هایی را در علائق، دیدگاه‌ها، رفتار و گرایش‌های عملی آنها موجب می‌شود (Ritzer & Ryan, 2011, P.357). پارامترهای قابل مطالعه در سبک زندگی شامل مواردی است مانند: ۱. سبک مصرف (مانند استفاده از کالاها، خدمات و شیوه‌های به کارگیری آنها به ویژه موسیقی و رسانه)؛ ۲. سبک مواجهه با بدن (مانند نحوه تغذیه، پوشش، آرایش، ورزش، بهداشت و سلامت)؛ ۳. سبک بهره‌برداری از زمان (گذراندن اوقات فراغت، سرگرمی و تفریحات و تنظیم خواب و بیداری)؛ ۴. سبک تعامل با هم‌نوعان (روابط اجتماعی، آداب معاشرت، شیوه گفتار و ادبیات)؛ ۵. سبک تعامل با محیط (مانند نوع مسکن، اثاثیه خانه، دکوراسیون و المانهای تزئینی)؛ ۶. سبک زناشویی (الگوی ازدواج، همسرگزینی، روابط زناشویی و روش‌های تربیتی)؛ ۷. سبک حضور مدنی و مشارکت اجتماعی. با در نظر داشت همین پارامترها سبک زندگی «مجموعه‌ای از رفتارهای سازمان‌یافته که متأثر از باورها، ارزش‌ها و نگرش‌های پذیرفته شده و همچنین متناسب با امیال و خواسته‌های فردی و وضعیت محیطی و وجهه غالب رفتاری یک فرد یا گروهی از افراد شده‌اند» (شریفی، ۱۳۹۲، ص ۲۰) تعریف شده است.

۱-۲. مفهوم «سبک معاشرت»

«معاشرت» به معنای همراهی، همنشینی (مجمع البحرین، ج ۳، ص ۴۰۵) زندگی کردن (قاموس قرآن، ج ۵، ص ۱؛ لاهیجی، ص ۴۵۱) و رفتار کردن (نمونه) است. به خویشاوندان عشیره گفته میشود چون باهم همنشین‌اند و در مکان واحد زندگی می‌کنند و رفتار دوسویه پایدار دارند. بنابراین معاشرت را می‌توان به همان معنای لغوی تعامل، رفت و آمد و همنشینی معنا کرد. بنابراین معنی «سبک معاشرت» بیش از همه ناظر به الگوی تعامل، رفت

1. life style.

و آمد و همنشینی است. سبک معاشرت بار هنجاری دارد و باید‌ها و نباید‌های تعامل میان فردی را به رسمیت می‌شناسد. این هنجارها از هر منبعی (چه دستورات فقهی، چه الزامات تقنینی و چه رویه‌های عرفی) تأمین شده باشد، پوشش الگویی و ساختاری در رفتار، تعامل، کنش متقابل و روابط میان افراد ایجاد می‌کند. سبک معاشرت از حیث دامنه معنایی از «سبک زندگی» خاص‌تر و از لحاظ پشتوانه ادبیاتی دقیق‌تر است. خاص بودن آن به دلیل است که از میان عناصر تعیین بخش سبک زندگی فقط به مواردی می‌پردازد که به تعامل و روابط میان افراد مربوط است؛ دقیق بودن آن به این دلیل است که سبک زندگی مفهوم وارد شده از گفتمان‌های غربی است در حالی الگوی معاشرت در ادبیات قرآن، حدیثی و فقه و اخلاق اسلامی پیشینه دیرینه دارد.

۱-۳. مفهوم «سبک معاشرت اسلامی»

«سبک معاشرت اسلامی» به قالب‌های رفتاری و ارتباطی اشاره دارد که در چارچوب اصول، اعتقادات و ارزشهای اسلامی تجویز می‌شود. از آنجا که «نظام معاشرت» بخشی از فرهنگ و به عبارتی لایه بیرونی رفتاری فرهنگ به شمار می‌رود، اتکاء «سبک معاشرت اسلامی» بر بنیادهای اعتقادی و ارزشی اسلام امر پذیرفته شده خواهد بود؛ زیرا فرهنگ اسلامی بسان هر فرهنگ دیگر، سازگار با اعتقادات، جهان‌بینی و ارزش‌های مطلوب خود، شیوه خاصی از معاشرت و تعامل را به رسمیت می‌شناسد. به لحاظ علمی و عملی دین مبین اسلام با طرح بحث‌های فقهی و اخلاقی در این مسئله پیشگام بوده است. ماحصل فقه و اخلاق در مقام عمل همان زندگی و معاشرت به شیوه اسلامی است. بیشتر آثاری که الگوی معاشرت اسلامی را ذیل عنوان سبک‌زندگی اسلامی بحث کرده‌اند یا همین عنوان را برای تحقیق خود برگزیده‌اند، بر بنیادهای ارزشی و اعتقادی متمایز و متفاوت در الگوی زندگی اسلامی انگشت نهاده‌اند یا در تبیین سبک زندگی اصول اعتقادی را اولویت بخشیده‌اند (ر.ک. اولیایی، ۱۳۹۶، ص ۱۳۵-۱۷۴؛ نویسندگان، ۱۳۹۴، ص ۲۴۳-۲۸۴؛ کاویانی، ۱۳۹۴، ص ۹۱-۱۵۰). الگوی معاشرت اسلامی هم در قرآن تحت عنوان «عاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» مطرح شده و هم در روایات مطمح نظر قرار گرفته است. امام سجاده (ع) برای بیان شیوه رفتار، منطق نگرش و الگوی تعامل و رویه تابعین از تعبیر «فَصَدُّوا سَمْتَهُمْ»، «تَحَرُّوا وَجْهَهُمْ»، «مَضَوْا عَلَى سَاكِلَتِهِمْ» و «يَدِينُونَ بِدِينِهِمْ» بهره برده‌اند (علی بن الحسین، ۱۳۷۶، ص ۴۲؛ دعای ۴: فراز ۱۰). بنا بر نظر شارحان و مفسران صحیفه «قصد سمت» به معنای «دنبال کردن مسیر»، «تَحَرُّى وَجْهَهُ» به معنای «ترجیح دادن هنجار و منش»، «امضای ساکله» به معنای «تأییدکردن و دنبال کردن هیئت ظاهری» و «تدئین به دین» به معنای «دینداری به شیوه خاص» است (ر.ک. سجادی، ۱۳۸۷، ص ۴۶-۴۷؛ خلجی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۷۳-۲۷۴؛ شعرانی، ۱۳۸۴، ص ۵۹). روی هم‌رفته سبک معاشرت اسلامی الگوهای رفتاری و معاشرتی است که از فرهنگ اسلامی سرچشمه گرفته و نویدبخش تأمین سعادت انسان در دنیا و آخرت باشد.

۱-۴. مفهوم «خانواده»

از نظر اسلام خانواده بنیانی‌ترین واحدا اجتماعی است؛ به گونه‌ای که هیچ واحد اجتماعی دیگر به اهمیت آن

نمی‌رسد. همان‌گونه که پیامبر گرامی اسلام (ص) اشاره فرموده‌اند: «در اسلام هیچ بنایی بنا نهاده نشده است که به اندازه ازدواج و تشکیل خانواده در نزد خداوند محبوب و مهم باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ص ۲۲۲). دلیل اهمیت آن هم این است که در میان نهادها و ارگان‌های اجتماعی، بیشترین زمان عمر انسان در خانواده سپری می‌شود و ارتباط انسان با آن به رغم تغییر الگوهای خانواده و در طی زمان، هیچگاه قطع نمی‌شود و از همه مهمتر اینکه ناب‌ترین فرصت‌های تربیتی در اختیار خانواده است. دوران کودکی که نوعاً در بستر خانواده سپری می‌شود، بهترین زمان تربیت است؛ زیرا تعلیم و تربیت در دوران کودکی ماندگار و تأثیرگذار است (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ص ۴۵). قریب به اتفاق صفت‌های اخلاقی مانند مهربانی، نوع‌دوستی، حسادت، ریا و عجب، احترام به دیگران، شوخ طبعی، زیبایی‌خواهی، خوش‌گفتاری و صمیمیت از تربیت خانوادگی نشأت می‌گیرد (کاوایانی، ۱۳۹۴، ص ۲۰۰).

خانواده در زندگی سنتی به شکل گسترده و شامل زن و شوهر، فرزندان، برادر و پدر بزرگ و مادر بزرگ بود اما در زندگی مدرن مرکب از زن و شوهر و فرزندان است؛ که به اولی «خانواده گسترده» و به دومی «خانواده هسته‌ای» اطلاق می‌شود (بستان (نجفی) و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۵۰-۵۱) و در هر دو حالت، مبنای شکل‌گیری و تعلق، روابط خوئی است. از نظر اسلام دامنه خانواده و خویشاوندی فراتر از روابط نسبی است و شامل روابط سببی نیز می‌گردد. خانواده به لحاظ قلمرو شامل کسانی می‌شود که حتی ارث هم نمی‌برند؛ مثل پسران عمو، عمه، خاله و دایی. بنابراین خانواده در نگاه اسلامی دایره وسیع دارد و تمام خویشاوندان سببی و نسبی را در بر می‌گیرد. این برداشت مطابق عرف جوامع اسلامی است (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۶، ص ۲۳۲).

۵-۱. گسست خانواده

۲. ادبیات پژوهشی

پژوهشگران متعددی در داخل و خارج، به بررسی پدیده طلاق پرداخته و اغلب به علل و ریشه‌ها و به ویژه پیامدها و عوارض فردی، خانوادگی اجتماعی آن توجه کرده‌اند. تعداد قابل توجهی از این تحقیقات به عوامل مانند دخالت دیگران (شعبانی، ۱۳۸۲؛ طباطبایی، ۱۳۸۳؛ قطبی، ۱۳۸۳)، عدم توافق و تفاهم اخلاقی و عقیدتی (رحیمی، ۱۳۷۹، قطبی؛ ۱۳۸۳)، میزان تحصیلات (میراحمدی و دیگران، ۱۳۸۲) اشاره کرده‌اند.

برخی پژوهشگران به راهکارهای برای تحکیم خانواده از نگاه قرآنی و دینی نیز پرداخته‌اند. به عنوان نمونه دکتر مرتضی رحیمی در مقاله‌ای در مجله علوم قرآن و حدیث، ۱۳۹۰ شماره ۴۰، نقش دعا در تحکیم نهاد خانواده را از دیدگاه قرآن بررسی کرده است. خارستانی و دیگران در پژوهشی نقش صله رحم را در تحکیم خانواده بحث کرده‌اند (پژوهش‌های علمی اجتماعی اسلامی، ۱۳۹۳، سال ۲۰، ش ۱). صالح حسن زاده در مقاله‌ای به عوامل تحکیم خانواده در فرهنگ اسلامی پرداخته است (پژوهش‌نامه معارف قرآنی دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۳، شماره ۱۵). حامد میرجمالی طی مقاله‌ای نقش نماز در تقویت و تحکیم بنیان خانواده را به بحث سپرده‌اند (دوفصلنامه علمی

تخصصی معارف علوی، ویژه نامه همایش ملی نماز تعالی فردی اجتماعی، ۱۳۹۷) و دکتر ولی اله نقی پورفر در کتاب اندیشه‌های راهبردی، زن و خانواده، ۱۳۹۲، به عنوان جایگاه نهاد خانواده در سیاست گذاری اجرا و اداری نظام اسلامی، مورد کنکاش قرار داده است.

در مورد تأثیر سبک زندگی بر استحکام یا فروپاشی خانواده برخی تحقیقات اجتماعی معطوف به استحکام خانواده و پارامترهای مؤثر بر آن صورت گرفته است. مثلاً مقاله نقش سبک زندگی، حیات رابطه ای و کنترل زندگی در رابطه بین موقعیت اجتماعی و رضایت از زندگی (منصوره اعظم و میدان‌دار، ۱۳۹۳) رضایت از زندگی را جزء شاخصهای استحکام خانواده در نظر گرفته و با بررسی نگرش ۳۸۹ نفر از شهروندان تهران در مقیاس‌های سبک زندگی فرهنگی، مذهبی، رسانه‌ای، لذت جو، مصرف‌گرا، بدن‌گرا و ورزشی به این نتیجه رهنمون شده است که سبک زندگی در رضایت از زناشویی نقش دارد و این تأثیر در سبک مصرف‌گرا، لذت جو و رسانه‌ای بیشتر نشان داده شده است (همان، ص ۵۲). مقاله «تأثیر آموزش سبک زندگی اسلام محور با تأکید بر نظام خانواده بر صمیمیت زوجین اراک» (رضایی، احمدی، اعتمادی، رضایی، آبادی، شهردوست؛ ۱۳۹۲) تعدادی از خانواده‌های اراکی را در دو گروه آزمودنی و گواه با آموزش سبک زندگی اسلامی به خانواده‌های آزمودنی به این نتیجه دست یافته‌اند که آموزش سبک زندگی اسلام محور بر صمیمیت عاطفی، اجتماعی، تفریحی، ارتباطی، معنوی، روانشناختی و جنسی (به عنوان مقوم‌های سلامت و استحکام خانواده) اثرگذار است (همان، ص ۹۵). پژوهش رابطه‌ی نگرش مذهبی، تعهد اخلاقی و سبک زندگی با وضعیت زناشویی (طلاق - عدم طلاق) در زنان و مردان شهر اصفهان (خالقی دهنوی، یزدخواستی، ۱۳۹۲) نگرش تعدادی از خانواده‌های اصفهانی (۲۰۳ خانواده متقاضی طلاق - ۲۰۲ خانواده غیر متقاضی طلاق) را بررسی نموده است. در این تحقیق از پرسشنامه نگرش‌سنجی مذهبی، پرسشنامه تعهد زناشویی (DCI) و پرسشنامه سبک زندگی (LSQ) استفاده شده است (همان، ص ۱۱۷-۱۱۹). حاصل تحقیق این بوده است که میان نگرش مذهبی و همچنین تعهد زناشویی و استحکام خانواده (عدم گرایش به طلاق) رابطه معنادار وجود دارد و اما این رابطه در سبک زندگی قابل اثبات نیست. به عبارتی سبک زندگی تأثیری در گرایش زنان و مردان به طلاق ندارد (همان، ص ۱۲۴-۱۲۷). در تحقیقاتی که نام برده شد، سبک زندگی به عنوان یک متغیر بررسی شده است اما «سبک زندگی اسلامی» با شاخص‌ها و نماگرهای دینی و مورد تأکید دین اسلام و مستند به آیات و روایات کمتر مورد توجه قرار گرفته است. آنچه تحقیق حاضر را متمایز و ممتاز می‌کند این است که بنا بر اقتضاء، هم محتوا، هم روش و هم شاخص‌ها و نماگرها از منابع دینی و با رویکرد اسلامی انجام شود.

ساختار نظری بحث

تحقیق پیش رو مثل هر بحثی نیازمند یک الگوی نظری است که چگونگی و سازوکار پیوند سبک معاشرت با استحکام خانواده را مدلل سازد. اگر سبک معاشرت و طلاق را در یک پیوستار تبیینی در نظر بگیریم، کرانه‌ی علیّی این پیوستار به سبک معاشرت و کرانه معلولی آن به طلاق و گسست خانواده اختصاص خواهد یافت. طلاق، مثل

هر آسیب اجتماعی دیگر، معطوف به علل و «عوامل زمینه‌ای» است که توجه به آن در تحلیل و تبیین و یا حتی حل مسئله طلاق دارای اهمیت است. در گام بعد چیزی که در تبیین و بررسی طلاق نیازمند توجه است «منطق شیوع» این پدیده اجتماعی است. منطق شیوع طلاق در طبقات مختلف جامعه، سازوکار تبدیل شدن آن به یک خرده‌فرهنگ و پذیرش عمومی و همگانی آن به عنوان یک راه حل عبور از مشکلات خانوادگی مسئله‌ای است که نیاز به تأمل دارد. در سومین گام لازم است کاوشی در باب پیامدها و «عوارض مخرب» طلاق صورت گیرد؛ تا دامنه تخریب آسیب‌های اجتماعی روشن نگردد، حل دائمی آن نیز میسر نخواهد گردید. بنا بر همین امر، کم کردن آثار تخریبی طلاق در جوامعی دارای فراوانی رو به افزایش، بسیار حایز اهمیت است. در کرانه‌ی علی، سبک معاشرت نیز دارای عناصر درونی و بیرونی است که توجه به آن کاربرد کارآمد آن را تضمین می‌کند. عمق‌هستی‌شناختی سبک معاشرت به «باورها و ارزش‌ها» سر رشته دارد و به همین دلیل کشف و شناخت باورهایی که سبک معاشرت را قوام می‌بخشد و ارزش‌هایی که آن را تحت پوشش قرار می‌دهد، دارای اهمیت است. وجهه «عادت‌وارگی» سبک معاشرت نیز بحثی در خور توجه است؛ اینکه چگونه عادت‌واره‌های زندگی به شخصیت ثانوی افراد و خانواده‌ها تبدیل می‌گردد. به همین منوال نمادها و «نشانه‌های فرهنگی» سبک معاشرت نیاز به طرح بحث دارد. نشانه‌های فرهنگی سبک معاشرت تمام الگوهایی مسلط بر تعامل خانوادگی را اعم از پوشش و آرایش، تفریح، خرید، ورزش و سلامتی، کار و درآمد و مدیریت شادی و اندوه، تحت پوشش قرار می‌دهد. با در نظر داشت سازه‌های مفهومی فوق، چارچوب نظری ذیل قابل طرح است:



روش بررسی بحث

روش تحقیق در این پژوهش، روش اجتهادی - نقلی است. روش اجتهادی، از مبادی نظری اصول فقه شیعی تغذیه می‌شود. فقهای شیعه مسیر استنباط احکام شرعی را در تمام حوزه‌های زندگی فردی و اجتماعی با «اجتهاد» پی‌می‌گیرند. اجتهاد توانمندی استخراج و استنباط احکام فقهی با استفاده از ادله شرعی است (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۴۶۳). البته، اجتهاد تنها در کشف احکام شرعی منحصر نیست، بلکه استخراج نظر دین در تمام

ساحت‌های نظری، عملی و شئون زندگی انسان اجتهاد به حساب می‌آید. روش نقلی، به شیوه‌ی تحلیلی اشاره دارد که در آن از منابع شناخت منقول مانند آیات و روایات و سیره و سنن تاریخی استفاده می‌شود. در این روش وحی به عنوان مهم‌ترین منبع شناخت و از آن پس روایات معصومین به عنوان ارزشمندترین مرجع شناخت معرفی می‌شود. در روش نقلی رعایت اصول تفسیری و قواعد حدیث‌شناسی اولویت روش شناختی دارد.

در روش اجتهادی - نقلی محتوای مورد نیاز تحقیق در بخش نظری از آیات قرآن و روایات معصومین و در بخش کاربردی از تحلیل ثانوی تحقیقات انجام شده در موضوع مورد بحث و تحلیل مفهومی آموزه‌های دینی، آداب و اصول زندگی اسلامی و ظهورات فرهنگی سبک معاشرت اسلامی استفاده می‌شود. روش اجتهادی - نقلی در واقع یک روش تحلیل اسلامی است که برآیند آن گزاره‌های «توصیفی - تجویزی» در بخش سبک معاشرت خواهد بود. گزاره‌های توصیفی به تبیین، علت‌یابی و آسیب‌شناسی خانواده‌های درحال فروپاشی خواهد پرداخت و گزاره‌های تجویزی به دخالت‌های معرفتی و فرهنگی برای مدیریت و سامان‌دهی و نیز پیشگیری از شیوع طلاق اشاره خواهد کرد.

اصول حاکم بر سبک معاشرت اسلامی خانواده

۱. اصل همدلی (رفاقت به جای رقابت)

زندگی خانوادگی کانون آرامش و آسایش است. بنابر تعبیر قرآن زن و شوهر لباس همدیگر و مایه آرامش و آسایش هم‌اند (روم: ۲۱). این مهم در صورتی میسر می‌گردد که مودت، مهربانی، همدلی و محبت زندگی مشترک حاکم باشد. بنا بر تعبیر پیامبر گرامی اسلام «برترین مردم از حیث ایمان، کسانی است که ... با خانواده خود مهربان باشد» (صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ح ۱۰۵) و «حق مرد بر زن این است که ... به شوهرش دوستی، محبت و مهربانی کند و از به خشم آوردن او دوری گزیند و آنچه مورد رضایت اوست انجام دهد» (مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۴۴). بنا بر سفارش امام علی (ع) نباید زندگی به سمتی هدایت شود که اعضای خانواده و همسر تیره‌روزترین و سرسخت‌ترین افراد نسبت به همدیگر باشند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۶، ص ۳۶۶). آنچه به استحکام و قوام خانواده مدد می‌رساند، لطف و مهربانی و رفاقت و همدلی است. مهربانی در گفتار و کردار مؤثرترین عنصر تأمین‌کننده ثبات خانواده است. اینکه «اگر مردی به همسرش بگوید: «دوستت دارم» هرگز از قلب زن بیرون نخواهد رفت» (حر عاملی، ۱۴۱۸، ج ۲۰، ص ۲۳)، نشان از این است که گاهی یک کنش ساده بسترهای روانی واکنش‌های مثبت پایدار را فراهم می‌کند.

۲. اصل همکاری (مشارکت به جای ریاست)

همیاری و همکاری یکی از اصول زندگی اجتماعی است. در اسلام تأکید شده است زن و شوهر همیار و همکار همدیگر باشند. رسول خدا شیر گوسفندان را خود می‌دوشید، در کارها به اهل خانه یاری می‌نمود و با دست

خود گوشت خرد می‌کرد (ارفع، ۱۳۷۰، ص ۳۲-۳۳). ایشان با تمام مشغولیت‌هایی که به عنوان زعیم مسلمانان داشتند، از مشارکت در امور منزل مضایقه نمی‌کردند. ایشان کفش و لباس خود را وصله می‌زدند، در را می‌گشودند، گوسفند و شتر می‌دوشیدند، همراه خدمت‌کار و اهل خانه گندم آرد می‌کردند و وسایل خویش را خود می‌گذاشتند و برمی‌داشتند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۲۲۷؛ غزالی، ج ۲، ص ۷۷۶). بنا بر نقل امام کاظم (ع) امیرالمومنین (ع) نیز همین رویه را داشتند. حضرت آوردن هیزم و آب و نظافت منزل را بر عهده داشتند و حضرت فاطمه به آسیا کردن گندم و خمیر کردن آرد و پختن نان می‌پرداختند (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۲۴۷). همکاری و همیاری باعث همدلی و رفاقت و صمیمیت در خانواده می‌شود در مقابل برخورد ریاست مآبانه با همسر و یا طلبکارانه با شوهر زندگی را متشنج و تنش‌آلود می‌سازد.

۳. اصل خوش اخلاقی (نزاکت به جای شکایت)

اخلاق نیکو یکی از ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی است. خانواده به عنوان کوچکترین واحد اجتماعی وظیفه دارد نسبت به تحکیم ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی بی‌تفاوت نباشد. شاید مهمترین نمود تربیتی ارزش‌های اخلاقی در محیط خانواده برخورد اخلاق مدارانه والدین نسبت به همدیگر باشد. برخورد اخلاق مدارانه والدین با همدیگر موجب امنیت و آرامش اعضای خانواده می‌شود. امام علی (ع) فرموده‌اند: «بهترین چیزی که فرزندان از پدران ارث می‌برند اخلاق و آداب نیکو است» (آمدی، ۱۴۱۰، ص ۳۹۳). به همین دلیل در قرآن برخورد نیکو با همسر از وظایف اولیه مردان (نساء: ۱۹) و در روایات از علائم ایمان واقعی (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۳۳) و افراد خوش خلق و مهربان در خانواده نیکوترین انسان (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۸، ص ۳۸۷) معرفی شده است. تعامل اخلاقی زن و شوهر می‌تواند الگوی تعامل اجتماعی فرزندان در محیط خانواده و بیرون از خانواده قرار گیرد.

۴. اصل گذشت و مدارا (رضایت به جای لجابت)

زندگی مشترک زناشویی فراز و فرودهایی زیادی دارد که بعضاً، موجب ناراحتی و کدورت می‌شود. اصل گذشت در زندگی زناشویی اجازه نمی‌دهد مسائل روزمره و فراز و فرودهای زندگی به میدان لج و لج بازی و نزاع و درگیری تبدیل گردد. در نظام تربیتی اسلام اصل گذشت و مدارا به عنوان تسهیل کننده اوضاع زندگی مطرح گردیده است. در سوره تغابن تاکید شده است که حتی اگر اعضای خانواده نسبت به همدیگر دشمنی کنند بازهم بخشش، گشاده‌رویی، گذشت مدارا بهترین برخورد خواهد بود (تغابن: ۲۴). گذشت و مدارا در بالاترین مرتبه مکارم اخلاق جای دارد (آمدی، ۱۴۱۰، ص ۳۶). اگر گذشت چنین جایگاه اخلاقی دارد می‌تواند فرمولی برای کاستن آلام و ناراحتی‌های درون خانواده به کار گرفته شود.

مؤلفه‌های سبک‌معاشرت اسلامی

ثبات و استحکام خانواده به علل زیادی بستگی دارد. بخشی از عوامل مؤثر بر قوام و استحکام خانواده خارج از

چارچوب ازدواج و زناشویی و بخشی در چارچوب ازدواج و زناشویی است. سه عامل کلیدی مورد بحث ۱. سبک انتخاب همسر، ۲. سبک اداره زندگی و ۳. سبک رفتار و تعامل زن و شوهر بایکدیگر از سنخ دسته دوم است.

۱. نیک همسرگزینی (حسن الانتخاب)

همسرگزینی یکی از عوامل اساسی استحکام و رضایت از زندگی ذکر شده است. اینکه در انتخاب همسر چه معیارهای نقش تعیین کننده دارد بسیار مهم است. معیار مالی، معیار جنسی، معیار، اخلاقی - ارزشی، معیار اجتماعی و فرهنگی هرکدام ضربی از مقاومت را در کانون خانواده تزریق می کند. سبک معاشرت اسلامی عناصری را به عنوان معیارهای انتخاب نیکو معرفی می کند و توجه به آن شاخص ها را ضروری می خواند.

۱-۱. حسن انتخاب با در نظر داشت شاخص عفت و پاکدامنی

همانگونه که یادآوری شد، یکی از علل فروپاشی خانواده ها نارضایتی های اخلاقی است. مهم ترین مسئله در نارضایتی های اخلاقی روابط فرازناشویی و بی مبالائی جنسی است. در فقه و شریعت اسلامی فرایند استحکام خانواده با دغدغه اخلاقی در انتخاب همسر دنبال شده است. فقها و علمای اخلاق این مهم را ذیل عنوان «سازگاری اخلاقی» یا به تعبیری «هم کفو بودن اخلاقی» زوجین بحث می کنند. محتوای اصل «هم کفو بودن اخلاقی» این است که از بُعد علی و منطقی فرد مؤمن نمی تواند با همسر غیر مؤمن و از لحاظ اخلاقی ناسالم زندگی توأم با آرامش را تجربه کند. چنانکه در سوره نور یادآوری شده است، زنان و مردان و مردان پاکدامن و مؤمن شایسته زندگی بایکدیگرند و مردان و زنان بدکار سزاوار است که با بدکاران مثل خود ازدواج کنند (نور: ۲۶). این دستور العمل توجیه جامعه شناختی دارد؛ زیرا همسرانی که در دو قطب معتقد به ارزش های اخلاقی و منکر و یا کم توجه به ارزش های اخلاقی قرار دارند، نمیتوانند علائق ارزشی همدیگر را درک و احساسات خود را با آن هماهنگ کنند. لحن آیه ۳ سوره مبارکه نور نیز همین مسئله را تأیید می کند. در این آیه تأکید شده است «مرد زناکار جز با زن زناکار یا مشرک ازدواج نمی کند و زن زناکار را، جز مرد زناکار یا مشرک، به ازدواج خود در نمی آورد و این کار بر مؤمنان حرام شده است» (نور: ۳).

تأکید اسلام بر عفت به عنوان یکی از شاخص های گزینش همسر بیش از همه ناظر به قوام و ثبات خانواده است. به همین دلیل، رسول گرامی اسلام از ازدواجی که یاد خدا و پاکدامنی در آن مغفول باشد، نهی کرده اند (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۱۷۵) و امام صادق (ع) فرموده اند از ازدواج با ناپاک دامن ها پرهیز کنید (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۲۵۲). امام سجاده (ع) دلیل اهمیت این دغدغه فرهنگی اسلام را تأثیر نوع انتخاب بر سعادت و شقاوت خانواده بر شمرده و یادآوری کرده است «غایت شوربختی است با کسی ازدواج کنی و او را با جان و دل دوست بداری اما او خیانت پیشه کند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۵۸). ایشان در فرازی دیگر پاکدامنی همسر را یکی از پنج عامل سعادت، آرامش روانی و قوام زندگی می دانند (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۲۰۰).

بنابراین آنچه ذکرش رفت، دقت و احتیاط افراد در انتخاب همسر پاکدامن، ثبات و استحکام خانواده را ارتقاء

بخشیده و از فروپاشی خانواده جلوگیری می‌کند. در مقابل بی‌احتیاطی یا واکنش‌های احساسی و لذت‌گروانه یا حتی تعارف و خجالت در اظهار عقیده در بین اطرافیان می‌تواند زندگی توأم با نگرانی و شکست به دنبال آورد.

۱-۲. حسن انتخاب با در نظر داشت شاخص زیبایی‌طلبی

انسان‌ها فطرتاً به زیبایی‌گرایی دارند. گرایش فطری به جمال و زیبایی، «زیبایمی» را در فرهنگ جوامع به وجود آورده است. زیبایمی بخش مهمی از سبک زندگی انسان‌ها در جوامع سنتی و مدرن است. نحوه پوشش و آرایش مردان و زنان، چیدمان دکوراسیون منازل، الگوی ساخت مسکن شخصی و سازه‌های شهری، مراسمات و مناسبات، نوع خودروها و حتی شکل چینش مقبره‌ها در گورستان‌ها جلوه زیبایی‌شناختی و زیبایمی دارد. انسان‌ها دوست دارند زیبا باشند و محیط زندگی خود را زیبا بسازند و از همنشینی و همبستگی با زیبارویان لذت ببرند. انسان‌ها دوست دارند چهره زیبا داشته باشند، نام‌شان، لباس‌شان، نحوه نشستن و نوشتن‌شان، خیابان‌ها و ساختمان‌های شهرشان و چشم‌اندازهای پیش‌روی‌شان زیبا باشد و هاله‌ای از زیبایی همه زندگی انسان را فراگیرد (مطهری، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۲۷۸).

توجه به زیبایی همسر رکن مهم و اساسی در همسرگزینی و منبع تعهد جنسی است. زیبایی همسر پایداری خانواده را تضمین می‌کند. بنا بر سفارش معصومین زیبایی یکی از ملاک‌های انتخاب همسر است. هرگاه کسی قصد ازدواج بنماید، همانگونه که در مورد چهره همسرش تحقیق می‌کند از موهایش نیز بپرسد؛ زیرا مو یکی از دو زیبایی زنان است (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۸۸). بسیاری از جوانان هنگام ازدواج از سر هیجان‌زدگی یا شرم و حیاء از اطرافیان یا حتی تظاهر به کم‌اهمیت خواندن مظاهر دنیوی از جمله زیبایی همسر، به ازدواجی گردن می‌نهند که ناگزیرند برخلاف میل باکسی زندگی کنند که زیبایی‌اش را نمی‌پسندند و ازدیدن صورتش لذت نمی‌برد. این مسئله فی‌نفسه مشکلی حادی نیست اما اگر دستاویزی شود برای بهانه‌گیری و عاملی شود برای فرار و دلسردی از کانون گرم خانواده، در آن صورت ناخواسته زندگی به سمت گسست یا نارضایتی مهلک هدایت خواهد شد.

۱-۳. حسن انتخاب با در نظر داشت میزان آشنایی با مهارت‌های زندگی

انسان در اجتماع زندگی می‌کند و زندگی اجتماعی مهارت‌هایی را می‌طلبد که بدون آنها، زندگی از رونق لازم برخوردار نخواهد شد. آداب معاشرت، فرزندپروری، همسررداری، تغذیه و مدیریت امور معیشتی و ارتباطی مهارت‌هایی است که زن و شوهر باید با آن تجهیز باشند. آشنایی زوجین با مهارت‌های زندگی نشانه برتری در خانواده است. طبق احادیث «بهترین زنان زنی است که بوی خوشش به مشام شوهر برسد و بوی خوش دست‌بخشش خانه را عطرآگین کند؛ زانی که اگر انفاق کند میانه روی می‌کند و اگر صرفه‌جویی کند میانه روی در پیش می‌گیرد؛ چنین زنانی گم‌اردگان خداوند در زندگی اند، گماشته خدا نا امید و پشیمان نمی‌کند» (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۲۰۰). در این حدیث مهارت‌های «خودآرایی»، «آشپزی» و «مدیریت درست امور زندگی» اولویت زندگی و موهبت الهی شمرده شده است. قطعاً سایر مهارت‌ها نیز چنین اند. پیامبر گرامی اسلام زنانی را که هنگام مراجعه همسران به

پیشوازشان می‌روند و هنگام خروج از منزل مشایعت‌شان می‌کنند و مدام در صددند بادلجویی از نگرانی‌های او بکاهند، نیز گماردگان خداوند و اهل بهشت معرفی می‌نمایند (صدوق، ۱۴۱۳ ه.ق، ج ۳، ص ۳۸۹). تحلیل محتوای احادیث نشان می‌دهد که پیش‌نیاز زندگی با ثبات آشنایی با مهارت‌هایی است که زندگی را شیرین و قلوب زوجین را به هم نزدیک کند. مردان و زنان با توجه به این مهارت‌ها هنگام انتخاب همسر می‌توانند از بخشی از ناکامی‌های زندگی زناشویی خود بکاهند.

۴-۱. حسن انتخاب با عبور از آداب فرهنگی محل

الگوی ازدواج و همسرگزینی تابع آداب فرهنگی جوامع و اقوام است. هرکدام به شیوه‌ای خاصی از ازدواج و همسرگزینی پایبند است. در این میان برخی رسوم وجود دارد که نه تنها با فلسفه ازدواج و اهداف تشکیل خانواده همسو نیست بلکه تا حدودی خانواده به عنوان واحد اجتماعی مهم را به سمت فروپاشی، تضعیف و اضمحلال سوق می‌دهد. تجمل‌گرایی، هزینه‌های گزاف و غیر ضروری عروسی‌ها، مهریه زیاد، سخت‌گیری پدران و مادران، قوم‌گرایی و طبقه‌گرایی، میزان دارایی و برخورداری از امکانات رفاهی اینگونه اند. شواهد زیادی در تاریخ اسلام وجود دارد که پیشوایان دین رسالت خود را عبور از این عنعنات دانسته و به صورت عملی به شکستن این «ناهنجاری‌های رایج!» اقدام نموده اند. داستان زلفا و جویر در زمان پیامبر، خواستگاری امام علی از دو دختر اسیرشده در جنگ قادسیه برای فرزندش امام حسین و محمد ابی بکر، ازدواج امام حسن عسکری با نرجس خاتون که کنیز بود همه شاهد این است که در اسلام معیار اصلی ازدواج و همسرگزینی ایمان و صلاحیت اخلاقی است نه ثروت، مکنث و طبقه اجتماعی. ازدواج با طبقات اجتماعی پایین‌تر یا برگزاری مراسم با تجملات و زرق و برق کمتر کسر شأن نیست بلکه نشانه فضل است.

آنگونه که در سیره امام سجاد(ع) آمده است ایشان در شکستن چنین رسومی پیشگام بوده است. طبق آنچه در کتب سیره منقول است وقتی امام با یکی از کنیزان آزاده خود ازدواج می‌کند و همچنین اجازه می‌دهد مادرش با غلامی آزاده ازدواج کند، عبدالملک ابن مروان که حاکم وقت بود بر امام سجاد اعتراض می‌کند که چرا با این کارها شرف و حسب خود را به برباد داده است؟ امام در قالب نامه‌ای به عبدالملک پاسخ می‌دهد: «دین اسلام عیب‌ها را پوشانده است و کمبودها را کامل کرده است و ملامت‌های قبیلوی را از بین برده است. در اقدامات فرد مسلمان هیچ ملامتی نیست آنچه ملامت است طرزنگاه جاهلی و قبیلوی است» (طوسی، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۳۹۷).

۲. نیک‌زیستی (حسن‌الاداره)

طلاق و فروپاشی خانواده از زمان رواج سبک زندگی غربی شیوع یافته است. تقارن شیب صعود طلاق و زندگی شهری و سبک زندگی مدرن انگشت اتهام را به سمت همین دوکانون هدایت کرده است. اداره زندگی به سبک اسلامی، یکی از راهبردهای مطمئن در پایداری خانواده است. سبک‌زندگی غربی «فردگرایی» را دامن می‌زند، از

«لذت‌گرایی» حمایت می‌کند، «آزادی بی‌قید و شرط» را تبلیغ می‌کند و با «تجمل‌گرایی» همراه است. در مقابل سبک‌زندگی اسلامی بر «نیک‌زیستی» تأکید دارد. طبق اصل نیک‌زیستی تمام ابعاد معیشتی و جنسی بر اساس هنجارهای مطلوب اسلامی و شرعی تعریف می‌شود. درآمد حلال، رفع نیازهای جنسی به شیوه مشروع، رعایت کردن ضوابط اخلاقی و شرعی در گفتارها، دیدارها، شنیدارها و کردارها، مراعات کردن هنجارهای ارزشی در مناسبات خانوادگی و گردن نهادن به محدودیت‌های دینی روابط زناشویی از جمله آنهاست. از دید اسلام اعضای مکلف خانواده به ویژه پدر و مادر مسئولیت دارند در زندگی خانوادگی شان در مسیر حلال و مشروع هدایت کنند. در ادبیات دینی زندگی با الگوی ارزشی و اخلاقی را «حُسْنُ الْمَعِيشَةِ» یا «خَيْرُ الْمَعِيشَةِ» به معنای «زندگی شایسته/مطلوب» تعبیر و از نشانه‌های آن تلاش در مسیر آخرت، دوری از طغیان و سرکشی، رفاه و آسایش نسبی، روزی حلال، آرامش روانی، بی‌نیازی از دیگران و کوشش در کسب رضایت خداوند ذکر شده است (اخوان حکیمی، ج ۲، ص ۵۵۲-۵۵۳).

اداره کردن زندگی به سبک اسلامی جامع ابعاد است و شامل تمام ساحت‌های زندگی می‌شود. در اسلام تلاش شده است اداره تمام ابعاد زندگی الگومند باشد. «الگوی درآمد»، «الگوی تفریح»، «الگوی معاشرت»، «الگوی آرایش و دکوراسیون» و «الگوی روابط» مسائلی است که اداره کردن زندگی به سبک اسلامی پر رنگ است.

۲-۱. سبک مدیریت درآمد خانواده

درآمد حلال یکی از دغدغه‌های به‌حق و طبیعی هر انسان و جزء اولویت‌های خانواده اسلامی است. در اسلام درآمد پاک و لقمه حلال «روح زندگی» (زَوْجِ الْحَيَاة) تعریف شده است (علی‌ابن‌الحسین، ۱۳۷۶، ص ۳۰). سیره عملی معصومین (ع) مؤید این نکته است که از دید آن بزرگواران کسب درآمد حلال نشانه نیک‌زیستی و صدقه‌جاریه از سوی خداوند برای خانواده است (ر.ک. کلینی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۱۱). کسب روزی حلال هم تأثیر تکوینی بر خانواده دارد و باعث پاکی طینت و روحیه اخلاقی مصرف‌کنندگان می‌شود و هم تأثیر وضعی دارد و بازنمایی یک الگوی نامناسب برای خانواده است.

۲-۲. سبک مدیریت تفریح خانواده

از جمله سرفصل‌های قابل بحث در مباحث مربوط به سبک زندگی الگوی مدیریت اوقات فراغت و تفریح فرد و خانواده است. اوقات فراغت «مجموعه فعالیت‌هایی است که شخص پس از رهایی از تعهدات و تکالیف شغلی، خانوادگی و اجتماعی با میل و اشتیاق به آنها می‌پردازد و غرضش استراحت، تفریح، توسعه دانش خود، به کمال رساندن شخصیت خویش یا به ظهور در آوردن استعدادها، خلاقیت‌ها و بالاخره مشارکت آزادانه در اجتماعی است» (شرف‌الدین، ۱۳۹۵، ص ۲۳). ساعات خارج از برنامه کاری، ایام بازنشستگی، تعطیلات رسمی و زمان خرده فعالیت‌های روزمره غیر رسمی جزء اوقات فراغتند. از آنجا که اوقات فراغت با برنامه‌های تربیتی و معاشرتی خانواده ارتباط مستقیم دارد، مطالعه هنجارها و اولویت‌های ارزشی آن دارای اهمیت اساسی است. طبق روایات

اسلامی اوقات فراغت، زمان‌های فارغ از مشغولیت‌های شغلی (فَرَاغًا مِنْ شُغْلٍ) و فرصتی ناشی از عدم فعالیت جسمی (فَرَاغٌ أَبْدَانًا) است (علی ابن الحسین، ۱۳۷۶، ص ۴۶ و ۶۲). چون اوقات فراغت بخشی از زندگی اجتماعی است، هنجارها و الزامات ارزشی مناسب را نیز می‌طلبد. در صحیفه سجادیه، سه هنجار کلی برای اوقات فراغت در نظر گرفته شده است. نخست اینکه اوقات فراغت باید سالم باشد؛ دوم اینکه اوقات فراغت قرین گناه نباشد و سوم اینکه ملالت خاطر به دنبال نیاورد (علی ابن الحسین، ۱۳۷۶، ص ۶۲). برای تشخیص اوقات فراغت با استانداردهای سه گانه یک قاعده کلی ذکر شده و آن اینکه گذراندن اوقات فراغت باید به گونه ای باشد که فرشتگان مأمور ثبت و ضبط گناهان دست خالی برگردند و فرشتگان مأمور خیرات و حسنات خوشحال و مسرور باشند (همان). معنای این قاعده این است که خوشگذرانی، عیاشی و هنجارگریزی در تفریح و سپری کردن اوقات فراغت با حقیقت تفریح سالم ناسازگار است. اخلاق تفریح اقتضاء دارد از فرصت پیش آمده در اوقات فراغت برای کسب خیر و نیکی و تقویت و تکامل روحی و اخلاقی استفاده شود.

مدیریت اوقات فراغت به چنین سبکی زمینه‌های بی‌بندوباری و هنجارشکنی را در خانواده‌ها می‌کاهد و برآمد تربیتی آن تعهد اخلاقی و تقید ارزشی است. تعهد و تقید یکی از پایه اصلی ثبات و استحکام خانواده به شمار می‌رود.

۳-۲. سبک مدیریت مصرف خانواده

تحلیل جامعه‌شناختی سبک زندگی با الگوی مصرف افراد و خانواده‌ها عجین است. یکی از برداشت‌های طرفدار در تبیین مفهوم سبک زندگی آن است که سبک زندگی از ملزومات زندگی مدرن با مشخصه رشد مصرف‌گرایی است. تبیین جامعه‌شناختی طبقه اجتماعی و سرمایه اقتصادی در میان جامعه‌شناسان متأخر با شیب ملایمی از اشتغال و کار و در آمد به سمت مصرف و میزان هزینه ثروت تمایل یافت. در این نگاه ثروت از این رو برای افراد مهم و عزیز است که مصرف تظاهری آن اعتبار اجتماعی می‌آورد (وبلن، ۱۳۸۵، ص ۱۵۲). پدیده «مُدگرایی» که محصول زندگی مدرن و شیوه خاصی از زندگی معاصر است با مصرف و تظاهر مصرفی مرتبط است. این در حالی است که سبک اسلامی زندگی هم در پوشش و آرایش و هم در تنظیم و مرتب‌سازی منزل از اسراف و زیاده‌روی و چشم هم چشمی به شدت امتناع کرده و اسراف و زیاده روی، هدر دادن بی‌سبب مال و دارایی و ولخرجی را رویه نامطلوب زندگی و صرفه‌جویی، اعتدال در مصرف را حامل برکت و زمینه ساز انفاق و احسان و قوام بخش زندگی معرفی نموده است.. (اخوان حکیمی، الحیاه؟؟، ج ۴، ص ۳۲۸).

۴-۲. سبک مدیریت روابط خانواده

زندگی خانوادگی در نظام معیشت اسلامی با معاشرت نیکو «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ: باهمسران خود برخورد نیکو داشته باشید» (نساء: ۱۹) آغاز می‌شود. روابط حسنه در زندگی زناشویی مقتضای طبع بشری و قانون خلقت خداوندی است. هر زن و مردی دوست دارد با او با احترام و نیک‌خویی برخورد شود و با زحمات و تلاش‌های او با دیده امتنان نگریسته شود. طبق احادیث «هرکس چهار ویژگی داشته باشد ایمانش کامل و گناهانش پاک خواهد

بود؛ خداوند را درحالی ملاقات خواهد کرد که از او راضی است. به عهده خود وفا کند، با مردم راست بگوید، حیا کند از اینکه در محضر خدا و بندگانش گناه کند و با خانواده اش برخورد نیکو داشته باشد» (حرعاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۶، ص ۶۲).

۳. نیک رفتاری (حسن المعاشره)

ازدواج و تشکیل خانواده ریشه در طبیعت غریزی انسان دارد و با سنت شرعی بارور می‌شود. آنچه ثبات و پایداری این نهاد را تثبیت می‌کند تعامل مطلوب و نیکوی زن و شوهر با یکدیگر است. هریک از زوجین شرح وظایفی دارد که رعایت کردن آنها قوام خانواده را موجب می‌شود و به توجهی به آن تزلزل و فروپاشی خانواده را سرعت می‌بخشد.

۳-۱. تعامل مطلوب شوهر با زن (حسن خلق)

مهم‌ترین اصل تحکیم خانواده احترام به همسر (زن) است. همسری که وابستگان خود رها کرده است تا با مرد آرزوهایش زندگی کند، حق دارد محترم باشد و از مراد و اخلاق نیکوی همسر بهره‌مند باشد. این مسئله حق زن بر شوهر شمرده شده است. در رساله حقوق امام سجاد آمده است:

«اما، حق همسران تان؛ بدانید که خداوند آنها را مایه آرامش و آسایش همدم و محافظ تان قرار داده است؛ پس باید هردو به شکرانه دیگری خدا را شکر گوید و بداند که دیگری نعمتی است از سوی خداوند که نصیب حال شان شده است و نعمت خداوند سزاوار رفتار نیکوست؛ رفتاری آمیخته با احترام و مدارا. هرچند حق شوهران بر زنان سنگین‌تر و اطاعت از شوهران در آنچه دوست دارند و ناخوشایند می‌پندارند، بایسته‌تر است اما حق زنان است که مهربانی دریافت کنند و محمل اُنس باشند. جایگاه آرامش‌بخشی آنها تأمین لذت جنسی است که هیچکس را از آن غریزی نیست؛ چنین نقشی بسیار ارزشمند است» (حرانی، ۱۴۱۶، ص ۲۶۲).

چشم‌نواز منظره در زندگی زناشویی، رفتار دوستانه و همدلانه زن و شوهر در کانون خانواده است. رفتار و برخورد درست همسران با یکدیگر دستاورد روان‌شناختی و بازتاب تربیتی دارد. طبق آیه قرآن بارسنگین این مسئولیت بیشتر به دوش مردان است و زنان بیشتر از مردان به آن نیاز دارند. احترام به سلیقه همسر یکی از شاخص‌های احترام است. زنان چون وقت بیشتری را در منزل و تدبیر امور آن صرف می‌کنند و مراقبت از فرزندان، تهیه غذا، شستشو و رُفت و روب و کارهای منزل باعث می‌شود زنان وقتی بیشتری را در چار دیواری منزل سپری کنند؛ همین مهم اقتضاء می‌کند که به سلیقه آنها در آراستن منزل، تنظیم دکوراسیون و تدبیر و برنامه ریزی بیشتر بها داده شود. سیره پیشوایان معصوم براین بود که اگر همسران‌شان از مهریه دریافتی خود وسایلی تزئینی برای منزل می‌خریدند امام مخالفت نمی‌کردند (کلینی، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۴۷۶). حضرت پیامبر در حدیث زیبایی، رویه احترام به سلیقه زنان و اعضای خانواده را در امر غذا و پخت و پز را رویه مؤنانه می‌دانند و تصریح می‌کنند شخص مؤمن طبق میل همسر خود غذا می‌خورد اما منافق عیالش را در خوردن به سلیقه خود ملزم می‌کند (حرعاملی، ۱۴۱۳،

ج ۲۱، ص ۵۴۲). زنان با محترم شمرده شدن سلیقه و علایق شان احساس شخصیت می‌کنند و این مسئله در روحیه و برخورد او با سایر اعضای خانواده تأثیر خواهد گذاشت.

۳-۲. تعامل مطلوب زن با شوهر (حسن التبعّل)

در نگرش اسلامی زنان مایه آسایش و آرامش معرفی شده است. بنا بر تصریح آیات قرآن، خداوند تقدیر می‌کند تا مردان با زنان ازدواج کنند و از این طریق به آسایش و آرامش برسند و مهر و اُلفت بر زندگی‌شان سایه بگسترده (نور: ۲۱). مفهوم این گزاره قرآنی این است که زنان وظیفه دارند در تحقق نقش‌های پیش‌گفته تلاش کنند. او باید تلاش کند آرامش شوهرش حفظ شود و آسایش او تأمین گردد. وظیفه اصلی زنان در روایات به «حُسْنُ التَّبَعْلِ» (شوهرداری نیکو) تعبیر شده است. شوهرداری نیکو، وظیفه شرعی است که با نماز، روزه، حج و جهاد مقایسه شده است (نهج البلاغه، ص ۴۹۴؛ صدوق، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۴۱۶).

یکی از ابعاد شوهرداری نیکو توجه به نیازهای جنسی شوهر است. تعبیر مایه آرامش و آسایش بودن زنان در آیات و روایات به همین وجه اشاره دارد. تمایلات جنسی از فطریات و مقتضای آفرینش انسان است. به همین دلیل در روایات آمده «زنان پناهگاه مردان است و رجوع مردان به همسران برای قضای حاجت جنسی حقی است که خداوند تعیین کرده است و هیچ جایگزینی ندارد» (ابن‌شعبه، ۱۴۱۰، ص ۲۶۲). زنان با بردباری، هوشیاری و آشنایی با مهارت‌های زناشویی می‌توانند سپر حفاظتی اخلاق جنسی مردان تبدیل باشند. اهمیت نقش جنسی زنان به این مسئله باز می‌گردد که توانایی آنان در این زمینه سلامت و پاکی همسر و طهارت جنسی خانواده را به ارمغان می‌آورد.

دومین نکته در حسن تبعّل حفظ نشاط و شادابی است. خانواده در صورتی می‌توان محل آرامش و آسایش باشد که فضای آن آغشته با نشاط، شادابی و خوشی باشد. مردان به تناسب جایگاه نقشی‌اش بیشتر اوقات را در بیرون از منزل سپری می‌کند، طبیعی است که هنگام بازگشت به منزل، نیاز دارد با خوشی و نشاط حاکم بر خانواده به آرامش برسد تا برای فعالیت و مشقت‌های زندگی آمادگی یابد. در روایات عطر آگین بودن زنان، خوب و دلپذیر بودن آشپزی شان و مناسب بودن دخل و خرج شان نشانه ایده‌آل بودن همسر معرفی شده است (طبرسی، ص ۲۰۰). همسری که مدام نق می‌زند و خرده می‌گیرد و همیشه شوهرش را با شکایت استقبال و با ناراحتی بدرقه می‌کند، نمی‌تواند موجبات آرامش خانواده را فراهم آورد.

منابع

- قرآن کریم.
- صحیفه کامله سجادیه، (۱۳۸۴)، ترجمه و شرح میرزا ابوالحسن شعرانی، قم: قائم آل محمد (ص).
- ارفع، سید کاظم، (۱۳۷۰)، سیره عملی اهل بیت (علیهم السلام) حضرت محمد (۱)، چاپ سوم، تهران: انتشارات فیض کاشان.

- اولیایی، منصوره، (۱۳۹۶)، *پیش‌درآمدی بر سبک‌زندگی اسلامی - ایرانی*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
- بستان (نجفی)، حسین و همکاران، (۱۳۸۸)، *اسلام و جامعه‌شناسی خانواده*، چاپ چهارم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، (۱۴۱۰ق)، *غرر الحکم و درر الکلم*، چاپ اول، قم: دار الکتب الإسلامی.
- جمعی از نویسندگان، (۱۳۹۴)، *شاخص‌های سبک‌زندگی اسلامی*، چاپ اول، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- خلجی، محمدتقی، (۱۳۸۳)، *اسرار خاموشان (شرح صحیفه سجادیه)*، ج ۲، قم: پرتو خورشید.
- سجادی، احمد، (۱۳۸۷)، *صحیفه سجادیه: ترجمه و لغتنامه*، چاپ اول، تهران: انتشارات اسوه.
- شرف‌الدین، سید حسین، (۱۳۹۵)، *الگوی مطلوب فراغت و تفریح از دیدگاه اسلام*، چاپ اول، آلیاسین.
- عاملی، شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، (۱۴۱۳ق)، *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*، چاپ اول، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.
- علی بن الحسین (ع)، (۱۳۷۶)، *الصحیفه السجادیه*، چاپ اول، قم: نشر الهادی.
- فیض کاشانی، محمد محسن، (۱۴۰۶ق)، *الوافی*، ۲۶ جلد، چاپ اول، اصفهان: کتابخانه امام امیر المؤمنین (ع).
- کلینی، محمد بن یعقوب - بهبودی، محمد باقر، (۱۳۶۳)، *گزیده کافی*، ۳ جلد، چاپ اول، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- کاویانی، محمد، (۱۳۹۴)، *درسنامه سبک‌زندگی اسلامی (با رویکرد تجویزی)*، چاپ اول، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- وبلن، تورستن، (۱۳۸۵)، *نظریه طبقه تن آسا*، ترجمه، فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.
- Ritzer, Georg; Ryan, J. Michael, (2011), *The Concise Ensyelopedy Of Sociology*, Uk, Blackwell.
- Turner, Bryan S, (2006), *The Cambridge Dictionary Of Sociology*, New York, Cambridge Ltd.